



مدرسه‌ماه
مدرسه فیضیه بابل



درس خواندن
کنار سه شهید

۷۳



مردم از این مدرسه
خیر دیده‌اند

۷۴



حاج آقا فاضل، خود را
وقف طلبه‌ها کرده‌اند

۷۶

بازگردی و در تأسیس یا رشد دارالعلمی
اینچنین مشارکت جویی.
حاشیه این بار به مازندران سفر کرده است و
دفتر مدرسه فیضیه بابل را پیش‌روی مخاطبان
خویش گشوده است.

از قم که چشم بگردانی، شهر به شهر که
جستجو کنی فیضیه‌ای دیگر را آنسوی البرز
می‌یابی که سال‌هاست پایگاه علوم آل محمد
صلی الله علیه شده است. وسوسه‌ات می‌کند
که تو هم روزی روزگاری به شهر و دیار خودت



درس خواندن کنار سه شهید

معرفی مدرسه علمیة فیضیه بابل



محمدعلی رگنی

بنای مدرسه علمیة فیضیه در حاشیه شهرستان بابل، در روستایی به نام سلطان محمدطاهر قرار دارد. این مدرسه در سال ۱۳۶۲ شمسی در زمینی به مساحت پنجاههزار متر و زیربنای پنج هزار متر مربع تأسیس شد و در تابستان ۱۳۶۳ با ۲۵ طلبه، تلاش مقدس خود را در تربیت سربازان امام صادق (ع) آغاز کرد. از ویژگی‌های بارز این حوزه، نظارت پیوسته و همه‌جانبه مسئول محترم حوزه، حضرت آیت‌الله فاضل و وجود استادان شایسته و کارآمد، در تمام ساعات شبانه‌روز است.

اشراف و نظارت شبانه‌روزی مسئول، مدیر و استادان محترم حوزه از یک سو و وجود طلبه‌هایی با استعداد و آماده، از سوی دیگر، باعث شده تا برخی از آنها در مدتی کمتر از پنج سال، کفایة‌الاصول را به پایان برده و در امتحانات کتبی و شفاهی پایه دهم مدیریت حوزه علمیة قم نمره‌های خوبی کسب کنند. همچنین این امکان را برای برخی دیگر نیز به وجود آورده که در مدت شش سال، صلاحیت تدریس شرح لمعه و اصول فقه را با حکم رسمی و ابلاغ مدیریت حوزه علمیة قم کسب کنند.

در مدرسه علمیة فیضیه بابل، شب‌ها پس از نماز مغرب و عشاء، برنامه مطالعه دسته‌جمعی طلبه‌ها به مدت دو ساعت در محل کتابخانه و مسجد مدرسه برگزار می‌شود و طلبه‌ها هر سحر، پس از نماز صبح، در حیاط مدرسه گرد آمده، یک ساعت و نیم به مباحثه می‌پردازند. استقبال طلبه‌هایی از شرق و غرب استان مازندران، از گنبد تا تنکابن و رامسر و بعضی از شهرستان‌های استان گیلان و حتی از شهرهای

درس شده و محیط کاملاً باز و طبیعی مدرسه، فضای دلپذیری را برای فعالیت‌های علمی فراهم کرده است.

فعال بودن امور پژوهشی در مدرسه یکی از ویژگی‌هایی است که طلبه‌ها را بیشتر با تحقیق و پژوهش آشنا می‌کند. هر طلبه باید در سال یک تحقیق پژوهشی ارائه دهد. یک اتاق پژوهش، با یازده دستگاه رایانه در اختیار طلبه‌ها قرار دارد. هر طلبه موضوع تحقیق خود را برگزیده، با همکاری معاون پژوهش، آن را به پایان می‌رساند. پس از نماز عشاء، آیت‌الله فاضل به مدت پانزده دقیقه ادبیات عرب را به صورت تخصصی تدریس می‌کند و در کنار اینها مباحث گوناگون اعتقادی، تاریخی، تفسیری، احکام و درس اخلاق نیز در فرصت‌های مناسب، از جمله بین نماز مغرب و عشاء بیان می‌شود. ضمن اینکه ادعیه و توسل نیز در شب‌های جمعه و چهارشنبه و هنگام برگزاری نمازهای جماعت برگزار می‌شود.

مزار سه شهید از یازده شهید مدرسه در کنار مسجد مدرسه، فضای معنوی پرطراوتی را میان طلبه‌ها به وجود آورده است که با یاری جستن از روح بلند شهدا، در حفظ و ادامه مسیر آنها می‌کوشند.

دور دستی همچون بیجار، تبریز، اهر، اصفهان و تهران، نشانه‌ای از علاقه‌مندی طلبه‌ها به ادامه تحصیل در این مدرسه است.

وجود کتابخانه‌ای غنی و جامع که تمام وقت در اختیار طلبه‌هاست نیز در موفقیت این عزیزان بی‌تأثیر نبوده است؛ کتابخانه‌ای که بیش از چهار هزار جلد کتاب دارد.

کتابخانه مذکور سرشار از کتاب‌های گوناگون و مورد نیاز طلبه‌ها در موضوعات فقه، اصول، منطق، فلسفه، تاریخ، حدیث، اعتقادات، اخلاق، تفسیر، لغت، ادبیات، نهج البلاغه و ده‌ها عنوان دیگر است. نظام آموزشی این حوزه به طور کامل با نظام آموزشی حوزه علمیة قم هماهنگ است؛ چنان که بیشتر حوزه‌های شهرستان نیز به همین گونه‌اند؛ یعنی کتاب‌هایی که از سوی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیة کشور به حوزه‌ها معرفی می‌شوند، اعم از عمومی و اصلی، از صرف ساده تا مکاسب و کفایه، همچنین درس خراج، در این حوزه تدریس می‌شود. مدرسه علمیة فیضیه بابل در تابستان نیز دوره‌های آموزشی برگزار می‌کند که در این دوره‌ها در هر پایه یک درس اصلی و یک درس جنبی تدریس می‌شود. دور بودن نسبی این حوزه از شهر، باعث فراغت و تمرکز بیشتر طلبه‌ها در



وجود کتابخانه‌ای غنی و جامع که تمام وقت در اختیار طلبه‌هاست نیز در موفقیت این عزیزان بی‌تأثیر نبوده است؛ کتابخانه‌ای که بیش از چهار هزار جلد کتاب دارد

تبلیغ در متن تحصیل

برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی مدرسه علمیة فیضیه بابل

خدمات فرهنگی و تبلیغی این حوزه را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: در زمان دفاع مقدس و پس از دفاع مقدس.

در دوران دفاع مقدس، از ابتدای تأسیس این حوزه تا پایان جنگ تحمیلی، بسیاری از طلبه‌های این مدرسه رهسپار جبهه‌های نبرد

حق علیه باطل شدند. دوازده نفر از آنان مفقود شده، یا به درجه رفیع شهادت نائل شدند و سه نفر از آنها نیز اسیر شدند که اکنون از آزادگان شریف استان مازندران هستند. همچنین سه تن از طلبه‌های این حوزه جانباз هستند.

برنامه‌های تبلیغی این مدرسه، پس از دوران دفاع مقدس نیز، ادامه داشته است و عده‌ای از طلبه‌ها که در سطح بالاتری قرار دارند، انتخاب شده و برای اقامه نماز جماعت و تشکیل جلسات قرآن، به محله‌های هم‌جوار رفته و این سنت حسنه را زنده نگه می‌دارند. همچنین شورای بسیج این حوزه، در راستای تشکیل ارتش بیست‌میلیونی با سپاه پاسداران همکاری می‌کند.



مردم از این مدرسه خبر دیده‌اند

گفتگو با آیت‌الله محمد فاضل
بنیان‌گذار و مسئول محترم مدرسه فیضیه بابل



هم از لحاظ علمی، و هم از حیث اخلاقی فضای بهتری برای استفاده دارد.

« وضعیت کنونی مدرسه فیضیه بابل چگونه است؟ »

الحمدلله الان از پایه اول تا درس خارج، اینجا هم طلبه و هم استاد داریم. توصیه می‌کنم پیش از قم، به حوزه‌های علمی شهرستان‌ها رسیدگی شود. طلبه‌های بسیاری در شهرستان‌ها مشغول تحصیل هستند و نباید در مورد اینها کم‌کاری شود. مدارس باید به‌گونه‌ای در شهرستان‌ها کامل باشند که طلبه‌ها کمتر به قم رفتن نیاز پیدا کنند. مثلاً درس خارج؛ چرا در شهرستان‌ها کمتر درس خارج داریم؟ در حالی که اگر طلبه بتواند در شهرستان به درس خواندن، آن هم با کیفیت خوب ادامه دهد، می‌تواند در همان شهر یا منطقه، یک وزنه سنگین علمی و معنوی باشد.

یکی از ویژگی‌های تحصیل در شهرستان، این است که در شهرستان‌ها تربیت بهتر و نظارت بیشتر انجام می‌شود که در نتیجه موجب می‌شود تبلیغ هم بهتر و بیشتر باشد. یکی دیگر از نکاتی که باید در حوزه‌های علمی شهرستان‌ها به آن توجه شود، مدیریت است.

اگر مدیر یک مدرسه بتواند خوب یک مدرسه را اداره کند، خدمت بزرگی به آینده طلبه‌ها کرده است و هر چه مدیریت ضعیف باشد، عمر و وقت طلبه بیشتر هدر می‌رود.

به روحانیون و مدرسه فیضیه ابراز علاقه کرده‌اند. مردم از این مدرسه خبر دیده‌اند؛ نماز جماعت، منبر، کلاس‌های قرآنی و مذهبی سبب شده بین مدرسه و مردم تعامل خوبی برقرار باشد. بابل سابقه خیلی خوبی در رشد و پرورش روحانیون داشته است.

« در اداره مدرسه فیضیه، چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی را مدنظر قرار داده‌اید؟ »

یکی از مهم‌ترین نکات در مدارس علمیه، داشتن استاد خوب است. اگر استاد ضعیف باشد، طلبه عقب می‌ماند. استادان مدرسه را خودم انتخاب می‌کنم، استاد باید هم عالم و هم با اخلاق باشد. حتی پیشینه سیاسی استاد برای من مهم است. ما وقتی می‌خواهیم طلبه‌ای را زیر دست یک استاد قرار دهیم، مسئولیم که وقت و عمر طلبه هدر نرود. تمام استادان فیضیه، همه هم حکم تدریس دارند، و هم متدین هستند. با اطمینان می‌گویم در بین مدارس شهرستان‌ها، هیچ‌کجا مانند فیضیه با کمیت و کیفیت استاد ندارد.

یکی از ویژگی‌های بسیار خوب این مدرسه، حضور استادان در مدرسه است. ما برای اساتید در انتهای مدرسه خانه ساخته‌ایم که هم استاد راحت بتواند با مدرسه در ارتباط باشد، و هم طلبه بیشتر از حضور استاد بهره‌برد و بتواند با استاد رابطه عمیق‌تری برقرار کند. طلبه وقتی با استاد بیشتر همراه باشد،

« با عرض تشکر از فرصتی که در اختیار ما هنامه حاشیه قرار دادید، لطفاً اندکی درباره انگیزه‌ها بنیان از تأسیس مدرسه علمیه فیضیه بابل صحبت کنید. »

در گذشته کارهای بسیاری برای خدمت به اسلام به ذهنم آمد، ولی دیدم حوزه بهترین نهاد برای خدمت به انقلاب است. انقلاب را روحانیون به وجود آوردند، پس بهترین نهاد برای حفظ نظام، همین روحانیت است. حتی امام علیه السلام و مقام معظم رهبری هم از حوزه برآمده‌اند. آن زمان کارهای دیگر هم برایم ممکن بود، ولی اندیشیدم که هر طلبه می‌تواند یک نیرو برای خدمت به اسلام و انقلاب باشد. اکنون هم قانع نیستیم، ولی راضیم.

سال ۱۳۶۲ به لطف الهی، نخستین گام‌ها را برای بنای این مدرسه برداشتم و مردم نیز در این زمینه خیلی کمک کردند. الحمدلله تا این لحظه هیچ‌گاه به بن بست نخورده‌ایم، وجوهات و غیره وجوهات همیشه رسیده و کمک کرده تا این مدرسه روزبه‌روز گسترش یافته، فعال بماند. ما برای اهدافمان در توسعه مدرسه، در پی کمک گرفتن از دولت نبودیم، ولی دولت خودش کمک‌هایی کرده است.

« مدرسه علمیه فیضیه، چه جایگاهی بین مردم منطقه دارد؟ »

مردم به روحانیون علاقه دارند. به‌ویژه مردم بابل. من بسیار دیده‌ام که مردم بابل

اگر مدیر یک مدرسه بتواند خوب یک مدرسه را اداره کند، خدمت بزرگی به آینده طلبه‌ها کرده است و هر چه مدیریت ضعیف باشد، عمر و وقت طلبه بیشتر هدر می‌رود

خاطرات شش سال طلبگی در محضر آیت‌الله فاضل،
مسئول مدرسه علمیة فیضیة بابل

از طلبه حاج آقا فاضل کرایه نمی‌گیریم



حسن علی بیگی*

شش سال آغاز طلبگی خود را در مدرسه فیضیة بابل گذراندم و فکر می‌کنم آن شش سال، از بهترین سال‌های عمرم بود و به خاطر علاقه و ارادت به حاج آقا فاضل، دوست دارم، خاطراتی به یادماندنی از ایشان را بازگو کنم.

یکی از بهترین درس‌های اخلاقی که یک طلبه می‌تواند داشته باشد، نشست و برخاست در محضر علما و بزرگان است و نگاه کردن به صورت عالم عبادت است. حال اگر در زمان طلبگی یک طلبه، همیشه یک عالم با اخلاق در کنارش باشد، می‌تواند درس‌های عملی بسیاری از این عالم بگیرد.

یکی از ویژگی‌های آیت‌الله فاضل، فروتنی ایشان است. ما در اسلام از تواضع بسیار شنیده‌ایم، ولی زمانی که از یک عالم بزرگوار، فروتنی می‌بینیم، بیشتر در جانمان می‌نشیند.

ابتدای طلبگی در مدرسه فیضیة بابل، روزی یکی از استادان خدمت ایشان آمد و درباره موضوعی با ایشان بحث کرد. من احساس کردم که ایشان اندکی به استاد بی‌توجهی کردند. نامه‌ای نوشتم و در کتاب آقای فاضل گذاشتم. در نامه نوشتم که شما باید توجه بیشتری به استاد داشته باشید. پس از اقامه نماز ظهر و عصر دیدم ایشان در حضور همه طلبه‌ها، در حالی که بغض گلویشان را فشرده بود، از آن استاد عذرخواهی کردند.

یک‌بار هم در دفتر ایشان نشسته بودیم که یک فرد روستایی آمد و با ایشان صحبت کرد. سپس از رفتن او، ایشان از من که یک طلبه تازه‌وارد بودم، پرسید: به نظر تو من با آن شخص خوب صحبت کردم؟ یعنی هم نحوه برخورد با مردم برای ایشان مهم بود، و هم آن قدر متواضع بودند که از یک طلبه مشورت می‌گرفتند.

این منش و رفتار ایشان با مردم، سبب شده بود که مردم نیز ارادت خاصی به ایشان داشته باشند. چندین بار برای من پیش

آمد که وقتی سوار تاکسی می‌شدم و راننده می‌فهمید طلبه آقای فاضل هستیم، از من کرایه نمی‌گرفت و می‌گفت: حاج آقا حق بسیاری بر گردن ما دارد.

پس از چند سال که انجام‌دادم، گاهی ایشان به من و چند طلبه دیگر می‌گفتند: بنشینید و انتقادهای خود را بگویید. اگر گاهی پیشنهاد و یا حرفی داشتیم، ایشان با تمام وجود گوش می‌کردند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان، علاقه شدید به علم است و همواره می‌کوشند. طلبه‌هایشان را نیز با اهمیت علم آشنا کنند. همیشه نصیحت می‌کردند که از زمان، خوب استفاده کنیم و می‌گفتند: حتی در تابستان که مدرسه تعطیل می‌شود، طلبه تعطیل نمی‌شود.

آقای فاضل به کلاس درس خیلی اهمیت می‌دادند؛ یکی از استادان ما نقل می‌کرد زمانی که فرزند ایشان به شهادت رسیده بود و پیکر پسرشان را به مدرسه آورده بودند، حاج آقا مشغول تدریس بودند و تا زمان تمام شدن وقت کلاس، درس را تعطیل نکردند و پس از کلاس برای تشییع جنازه آمده بودند.

ایشان آن موقع هفته‌ای یک ساعت برای زن‌های بی‌سواد روستا کلاس احکام می‌گذاشتند. به خاطر دارم روزی یکی از مسئولان کشوری به مدرسه آمد. وقتی به ایشان در سر کلاس گفته بودند که یکی از مسئولان آمده است، حاج آقا کلاس را ادامه دادند و گفتند: بگویید صبر کنند، نمی‌توانم حق اینها را که آمده‌اند، ضایع کنم.

ایشان شیرین‌ترین خاطره خود را شنیدن یک «بله» می‌دانستند. می‌گفتند یک نفر در کربلا بوده که خیلی از لحاظ درسی قوی بوده است و ایشان خیلی دلشان می‌خواست با او هم‌بحث بشود و آن طلبه به هیچ‌وجه وقت نداشت. وقتی ایشان به او پیشنهاد بحث می‌کنند آن طلبه به خاطر پدر ایشان، به حاج آقا می‌گوید: «بله، وقت دارم». ایشان می‌گفتند این شیرین‌ترین خاطره‌ام است.

چون خود حاج آقای فاضل اهل علم هستند، نیازهای یک طلبه را برای عالم شدن می‌دانند. همیشه سعی می‌کنند بهترین استادان را برای طلبه‌ها بیآورند. یکی از

ویژگی‌های استاد خوب این است که علاوه بر انتقال ظرایف درسی به طلبه، از نزدیک او را با روش درس خواندن و راه عالم شدن آشنا می‌کند.

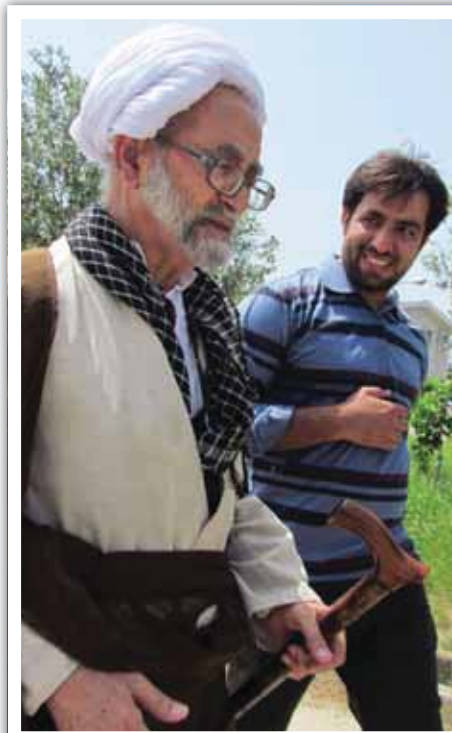
خاطرات اخلاقی از ایشان بسیار زیاد است و من گمان می‌کنم چقدر خوب است که اینها به کتاب تبدیل شود تا طلبه‌ها بیشتر و بهتر بتوانند با منش علمای اسلام آشنا شوند.

آن سال‌ها با خودم عهد کرده بودم که روز تولد هر امام معصوم، جشن کوچکی در حجره‌ام بگیرم و از طلبه‌هایی که می‌آیند، پذیرایی مختصری کنم. یک بار برای جشن شب میلاد پول نداشتم. ناراحت در حجره نشسته بودم که ایشان مرا صدا زدند؛ وقتی بیرون رفتم، به قدر نیاز به من پول دادند. این در حالی بود که هیچ‌کس از نیت و کار من باخبر نبود.

یکی از نصیحت‌های ایشان به طلبه‌های جوان، این بود که می‌گفتند طلبه باید مانند آتش‌نشانی باشد؛ همیشه باید برای خدمت آماده باشد. می‌گفتند اسرار بزرگی در خدمت به مردم نهفته است. ان‌شاءالله خداوند ایشان را برای اسلام و مسلمانان حفظ کند.

* مسئول هیئت تفحص سیره شهدای سیرجان، مدرس حوزه علمیه و نویسنده کتاب خاطرات شهدای سیرجان

زمانی که فرزند ایشان به شهادت رسیده بود و پیکر پسرشان را به مدرسه آورده بودند، حاج آقا مشغول تدریس بودند و تا زمان تمام شدن وقت کلاس، درس را تعطیل نکردند و پس از کلاس برای تشییع جنازه آمده بودند





حاج آقا فاضل، خود را وقف طلبه‌ها کرده‌اند

مصاحبه با حجت الاسلام حسین حسن زاده، از استادان فیضیه بابل

« از خودتان بگویید: کی و چگونه وارد حوزه شدید؟ »

بنده متولد ۱۳۴۲ هستم، سال ۶۲ دیپلم گرفتم. پس از حضوری یک‌ساله در سپاه پاسداران، طلبگی خود را در بابل در محضر حضرت آیت‌الله محمد فاضل آغاز کردم. به یاد دارم آن زمان، تازه دوره نمایندگی حاج آقا فاضل در مجلس شورای اسلامی پایان یافته بود و ایشان تصمیم داشت برای تربیت طلبه‌ها حوزه علمیه‌ای راه‌اندازی کند.

« با توجه به اینکه شما از نخستین سال‌های طلبگی با آیت‌الله فاضل آشنا شدید، چه ویژگی‌هایی از ایشان سراغ دارید؟ »

ایشان هم در امور عبادی و هم در رسیدگی به وضعیت طلبه‌ها، بسیار می‌کوشند. یکی از طلبه‌هایی که مدارس بسیاری را دیده بود، می‌گفت: من خدا را شاکرم که شاگرد ایشان هستم؛ ایشان مانند پدری دلسوز، مراقب من و طلبه‌هایشان هستند. هیچ کجا ندیدم که

ایشان مانند پدری دلسوز، مراقب من و طلبه‌هایشان هستند. هیچ کجا ندیدم که

رئیس مدرسه‌ای تا این حد از احوال طلبه‌ها باخبر باشد و برای آنها دلسوزی کند. در خاطرهای دیگر، یکی از دوستان نقل می‌کرد که ساعت چهار عصر مباحثه داشتیم، ولی فراموش کرده بودم. رفتم پیش حاج آقای فاضل، همین که نزد ایشان رسیدم، ایشان با اینکه از ساعت مباحثه من خبر نداشتند، به من گفتند مگر شما مباحثه نداشتید؟ و من یک‌بار به متوجه غفلت خودم از مباحثه شده، برای مباحثه آماده شدم.



زمانی که نجف بودند، مسئول کتابخانه برای قفل کردن در می‌آمده، ایشان به او می‌گفتند: قفل کن و برو. تا صبح می‌ماندند و مطالعه می‌کردند. یا توی مقبره‌هایی که کتاب وقف می‌کردند، ایشان آنجا می‌رفتند و مشغول مطالعه می‌شدند. هر کس با ایشان کار داشته، به قول خودشان باید ایشان را در یکی از این دو جا پیدا می‌کرده است.

حاج آقا فاضل کتاب‌هایی داشتند که مال مرحوم پدرشان بود. کار کتابخانه با آن کتاب‌ها آغاز شد.

وقتی کسی خودش را وقف اسلام کند، این گونه است؛ ایشان خانه موروثی پدری را فروخت. با اینکه خودش خانه نداشت و در خانه‌های فیضیه زندگی می‌کرد ولی با پول خانه پدری کلنگ کتابخانه را زد و راه‌اندازی کتابخانه را آغاز کرد. امروز الحمدلله کتابخانه

فیضیه بابل، یکی از کتابخانه‌های غنی حوزه است. ایشان گاهی سفارش می‌کرد که کتاب‌های مورد نیاز را از عربستان به اینجا بیاورند. حتی دانشگاهیانی که می‌خواهند پایان‌نامه بنویسند، گاهی به اینجا مراجعه و درخواست کتاب می‌کنند. چون این کتابخانه در زمینه‌های متفاوت، کتاب‌های ارزنده‌ای دارد.

« یکی از ویژگی‌های فیضیه بابل، پوشیدن عبا و قبا در فضای مدرسه است. این سنت از کی و چگونه شروع شد؟

از همان سال ۶۳ که به عنوان طلبه به این مدرسه آمدیم، حاج آقای فاضل روی پوشش و لباس طلبه حساس بود. همان ابتدا خیاط آوردند و کمک کردند همه طلبه‌ها عبا و قبا بپوشند.

من فکر می‌کنم پوشیدن این لباس در فضای مدرسه، به حیا و عفت‌ورزی طلبگی کمک بسیاری می‌کند. مدرسه فیضیه به خاطر وجود بابرکت حاج آقای فاضل، همواره مورد رجوع مردم بوده است.

وقتی که مردم هم زیاد به آنجا رفت‌وآمد می‌کنند، پوشیدن لباس موجب حفظ وقار طلبه می‌شود.

یکی از ویژگی‌های این امر این است که طلبه راحت‌تر معمم بشود، چون با این لباس بیشتر انس پیدا می‌کند. ویژگی طلبه لباس روحانیت است. این لباس، لباس حمایت از دین است. حاج آقا اصرار دارند طلبه‌ها به این لباس عادت کنند.

« با توجه به اینکه شما سال‌هاست که در فیضیه استاد هستید، چه پیشنهادی برای حوزه‌های علمیه شهرستان‌ها دارید؟

در سایر مدارس، کتاب‌ها یا تا آخر خوانده

ایشان واقعاً انسان بافضیلتی هستند و خودشان را وقف اسلام و مردم کرده‌اند. خاطره‌ای را که خودشان نقل کرده‌اند، می‌گویم و بعد خاطره‌ای از یکی از دوستان نقل می‌کنم.

ایشان تعریف می‌کردند که یک بار در مسافرت بودند و مسافر نشان در روز جمعه واقع شده بود. خیلی دوست داشتند که به نماز جمعه بروند. اما شرایط فراهم نبوده است، تا اینکه در یکی از شهرها اتوبوس موقع اذان ظهر خراب می‌شود و راننده ناچار می‌شود تعمیر کار بیاورد. ایشان هم از فرصت استفاده کرده، به نماز جمعه می‌روند. همین که نماز جمعه تمام می‌شود و ایشان بازمی‌گردند، ماشین درست می‌شود و به سفر ادامه می‌دهند.

« با توجه به اینکه سال‌های زیادی است که در فیضیه بابل تدریس می‌کنید، چه چیزی از طلبه‌های اینجا دیده‌اید که برایتان دلنشین‌تر بوده است؟

طلبه‌ها همه خوبند و دلسوز دین هستند. همین که این نوع زندگی را برگزیده‌اند و تا رسیدن به اهدافشان با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو هستند، نشان از خوبی و دلسوزی آنها برای تبلیغ دین خداست.

اما گاهی بعضی از سحرها که در فضای مدرسه قدم می‌زدند و می‌دیدم تعدادی از حجره‌ها خالیست و طلبه‌ها در گوشه‌ای خلوت، یک دست در قنوت و در دست دیگر تسبیح و مشغول نماز شب هستند، خیلی برایم شیرین و به یادماندنی بود. یا اینکه می‌دیدم بعضی از طلبه‌ها در هنگام سحر که خلوت است، برای اینکه کسی آنها را نشناسد، مشغول نظافت سرویس‌های بهداشتی هستند و این نشان از صفای باطن و خلوص طلبه‌ها دارد.

گاهی نیز برخی شاگردانم را می‌بینم که در زمینه‌های علمی به مدارج بالایی رسیده‌اند و در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها مشغول خدمت و تدریس هستند، خیلی خوشحال می‌شوم و خدا را شکر می‌کنم که عمرم را برای طلبه‌ها گذاشتم.

« تعریف کتابخانه فیضیه را بسیار شنیده‌ایم. لطفاً از کتابخانه مدرسه بر ایمان بگوئید.

الحمدلله سالن مطالعه بزرگ کتابخانه افتتاح شد. قطعاً وجود یک کتابخانه، هم سطح علمی مدرسه، و هم سطح علمی طلبه‌ها را بالا می‌برد.

خود حاج آقا فاضل اهل علم بوده و هست و قدر علم و کتاب را می‌داند. ایشان خودشان کتاب‌های زیادی نداشتند و نقل می‌کنند

نمی‌شود، یا خوب خوانده نمی‌شود. تنها نمره ملاک نیست. باید نظارت دقیق باشد. اگر نظارت نباشد، عمر طلبه تلف می‌شود. تلاش شود استاد خوب به شهرستان‌ها فرستاده شود؛ استادی که بیشتر وقتش را در مدرسه باشد.

یکی از جاهایی که طلبه‌ها ضربه می‌خورند، این است که تدریس در حوزه شغل دوم یا سوم استاد است، برای مثال استاد امام جمعه است، یا مسئول عقیدتی یک ارگان است، یا هم تبلیغ می‌کند و هم تدریس؛ یعنی مسئولیت اولش استادی نیست، از این رو وقت کافی برای مطالعه و کمک به طلبه‌ها ندارد.

استاد خوب بیاورند و به استادان امکانات کافی بدهند تا فراغ بال داشته باشد و بتواند روی تدریس تمرکز کند. حاج آقا فاضل حتی زیاد مسافرت نمی‌روند و خود را وقف طلبه‌ها کرده‌اند. این می‌شود که طلبه‌ها اینجا از حیث درسی موفق هستند.

چند وقت پیش یک طلبه برای انتقالی اینجا آمد. از او امتحان شفاهی گرفتم، واقعاً ضعیف بود. گفت در حوزه‌ای که او درس می‌خوانده، استاد می‌آمده چند خط درس می‌داده و می‌رفته است. باید به حال طلبه‌های شهرستان‌ها بیشتر رسیدگی شود.

ایشان خانه موروثی پدری را فروخت، با اینکه خودش خانه‌های فیضیه زندگی می‌کرد ولی با پول خانه پدری کلنگ کتابخانه را زد